



«حلقات»

درس B

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار: آقای پیشوایی

مقدمه

برای اثبات حجیت خبر واحد به سه دلیل قرآن، سنت و عقل تمسک شده است. استدلال به آیات شریفه قرآن مطرح شد و اشکالات آنها هم مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

دلیل دوم سنت است. در سنت به دو وجه برای اثبات حجیت خبر واحد استدلال شده است. وجه نخست، استدلال به احادیث قطعی، مانند احادیث متواتر و احادیث محفوف به قرائن می باشد و وجه دوم، استدلال به سیره متشرعه و سیره عقلاست ابتدا به بررسی وجه نخست می پردازیم.

احادیثی که برای اثبات حجیت خبر واحد به آنها تمسک شده است به ده گروه تقسیم می شوند که دلالت هر کدام را جداگانه بررسی می کنیم.

دسته نخست احادیثی هستند که در آنها شماری از روایات، مورد تصدیق ائمه -علیهم السلام- قرار گرفته اند، که دلالت آنها را بررسی کردیم.

پس از اشاره کوتاه به روایات دسته نخست، اکنون به بررسی دلالت روایت دسته دوم و سوم از این احادیث می پردازیم.

متن درس

الطائفة الثانية: ما تضمّن الحثّ عليّ تحمل الحديث، وحفظه من قبيل قول النبي صلي الله عليه وآله : " من حفظ عليّ امتي اربعين حديثا بعثه الله فقيها عالما يوم القيامة ". وهذا لا يدل عليّ الحجية ايضا، إذ لا شك في ان تحمل الحديث وحفظه من اهم المستحبات، بل من الواجبات الكفائية؛ لتوقف حفظ الشريعة عليه، ولا يلزم من ذلك وجوب القبول تعبدا مع الشك. ومثل ذلك ما دل عليّ الثناء على المحدثين، او الامر بحفظ الكتب، والترغيب في الكتابة لطائفة الثالثة: ما دل عليّ الامر بنقل بعض النكات، والمضامين من قبيل قول ابي عبدالله (ع) " يا ابا ن اذا قدمت الكوفة فارو هذا الحديث... " والصحيح ان الامر بالنقل يكفى في وجاهته احتمال تمامية الحجة بذلك بحصول الوثوق لدي السامعين، ولا يتوقف عليّ افتراض الحجية التعبدية .

روایات دسته دوم

دسته دوم احادیثی هستند که با بیان‌های گوناگون سنت حدیث نگاری را تأیید می نمایند. مضامین این احادیث به چهار دسته تقسیم شده‌اند:

الف) تشویق به حفظ احادیث: شماری از این احادیث، اخباری هستند که شیعیان را بر حفظ حدیث تشویق می‌کنند؛ مانند: «من حفظ علی امتی اربعین حدیثا بعثه الله فقیها عاملا». این حدیث شریف مبنای سنت اربعین نویسی در شیعه شده است.

ب) تشویق محدثین: شماری از این احادیث، اخباری هستند که بر تعریف و تمجید ائمه معصومین از بعضی از محدثین دلالت می‌کنند.

ج) حفظ کتب روایی: شماری دیگر از این اخبار، روایاتی هستند که بر دستورات اهل بیت به حفظ کتاب های روایی و حدیثی دلالت می‌کنند.

د) تشویق به نوشتن حدیث: روایاتی که بر تشویق به نوشتن احادیث دلالت می‌کنند.

Sco 1 12:04

بیان استدلال به این دسته

بهای هر دسته از احادیث می توان قیاسی تشکیل داد؛ اما می توان این چهار قیاس را به شکل زیر در یک قیاس خلاصه نمود.

قیاس

صغری: اگر خبر واحد حجت نبود،

الف) اهل بیت ما را به حفظ آنها تشویق نمی‌کردند؛ چون چیزهای بی ارزشی بودند؛

ب) اهل بیت از محدثین تجلیل و تعریف نمی‌کردند؛ زیرا حرف‌های غیر قابل استنادی گفته‌اند؛

ج) اهل بیت امر به حفظ کتب حدیثی نمی‌کردند؛ زیرا این کتب قابل اعتماد نبوده و ارزش نداشتند؛

د) اهل بیت ما را به نوشتن حدیث امر نمی‌کردند؛ زیرا نوشتن اخباری که اعتبار ندارد، کار با ارزشی نیست.

کبری: تالی باطل است. (چون اهل بیت به امر لغو و بی ارزش دستور نمی دهند).

نتیجه: پس خبر واحد حجت است.

اشکال

صغرای این قیاس اشکال دارد؛ زیرا همه این دستورات برای حفظ شریعت است. حفظ شریعت وابسته به حفظ احادیث است، پس حفظ حدیث از مهم ترین مستحبات بوده و واجب کفایی نیز می‌باشد.

مناقشه در اشکال

آیا حفظ شریعت با احادیثی که غیر قابل اعتماد هستند ، ممکن است؟ در حالی که احادیثی که باید کنار گذاشته شوند، توانایی حفظ شریعت را ندارند.

پاسخ

این احادیث حتی اگر حجت نباشند، اگر به واسطه تعدد نقل، متواتر شوند یا محفوف به قرائن باشند، قابل استناد و اعتماد هستند، همچون دیگر اسناد تاریخی که نوعاً با گردآوری قرائن و کثرت خبر ، یک مطلب تاریخی اثبات می‌شود.

Sco2 18:50

دسته سوم

اخباری که در بردارنده امر اهل بیت به نقل بعضی از احادیث برای مردم می‌باشند؛ مانند دستور امام صادق علیه السلام به «ابان» برای بیان احادیثی برای اهل کوفه. برای استدلال به این احادیث یک قیاس استثنایی بیان می‌شود.

قیاس

صغری: اگر خبر واحد برای شنونده آن حجت نبود، اهل بیت به برخی از اصحاب خود امر نمی‌کردند تا روایتی را برای دیگران نقل کنند؛ زیرا مأمور کردن کسی برای گفتن چیزی که حجت نیست، امری لغو و بی‌فایده است. کبری: تالی باطل است؛ چرا که اهل بیت به برخی از اصحاب امر کرده‌اند. نتیجه: «فالمقدم مثله» خبر واحد حجت است.

اشکال

استدلال به این روایات ناتمام است و صغرای قیاس اشکال دارد؛ زیرا شاید امام احتمال می‌دادند که شنندگان، از کلام آن راوی به مضمون آن اطمینان پیدا می‌کردند، در حالی که بحث حجیت خبر واحد در جایی است که شنونده به کلام راوی شک داشته باشد، پس این روایات هم بر حجیت خبر واحد دلالت ندارند.

Sco3 25:26

چکیده

1. دسته دوم از روایاتی که برای اثبات حجیت خبر واحد به آنان استناد شده است، روایاتی هستند که بر تأیید سنت حدیث نویسی توسط اصحاب ائمه «دلالت می‌کنند؛ مانند تشویق ائمه به حفظ و نوشتن احادیث، تشویق روات و امر به حفظ کتب احادیث .
2. اگر احادیث حجت نباشند، این امور لغو خواهند بود؛ زیرا حفظ و ضبط کردن احادیثی که حجت نیستند ، کاری لغو و بی‌فایده است.
3. به این استدلال اشکال شده است که فایده حفظ این احادیث در حفظ شریعت است ؛ زیرا این احادیث به هنگام تکرار و همراه شدن با قرائن، می‌توانند شنونده را به یقین برسانند.
4. دسته سوم از روایات احادیثی هستند که دلالت می‌کنند که امامان معصوم گاهی برخی از اصحاب را به بیان حدیث برای افرادی امر می‌کردند. اگر حدیث حجت نباشد این امر بی‌فایده است.
5. در دلالت دسته سوم نیز مناقشه شده است که این روایات شاید در مواردی باشد که شنونده از کلام اصحاب ائمه به اطمینان می‌رسیده، نه در جایی که شخص در کلام راوی شک داشته باشد.